

اعراب و ریاضی

چرا اعراب از درک معجزه ریاضی و عظیم و قابل فهم قرآن کوتاهی کردند؟

اعتراف خودشان: اعراب نتوانستند تعداد حروف بسم الله، آیه اول قرآن را بشمارند (به این نتیجه رسیدند که شامل 18 یا 21 حرف است!!!)

اگر اعراب قادر به درک رمز قرآن بودند، از منابع عظیم خود برای متقاعد کردن جهان به این که قرآن واقعاً کلام خداست استفاده می کردند.

اثبات مداخله الهی: در حالی که بسیاری از مردم از تمام ملل جهان رمز ریاضی فوق بشری قرآن را درک می کنند، حتی یک عرب معجزه را درک نمی کند.



یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های این قرن این است که عرب‌ها رمز ریاضی قرآن را درک نکرده‌اند. ترکیب ریاضی قرآن یکی از بزرگترین معجزه‌ها است (74:35) و به این ترتیب، دیر یا زود مقدر است که بر جهان غلبه کند. هزاران نفر، از تمام ملل جهان، قبلاً با این معجزه عظیم برکت یافته‌اند. اما نه یک عرب.

مداخله الهی

معجزه ریاضی قرآن به قدری ساده، وسیع و قابل لمس است که یک کودک در دبستان به راحتی می تواند آن را درک کند. بنابراین، برای جلوگیری از فهم و درک کامل معجزه آسا بودن این پدیده ریاضی خارق العاده، چیزی کمتر از مداخله الهی لازم نیست.

خدا واقعاً با شواهد فیزیکی و غیر قابل انکار به ما برکت داده است که قرآن کتاب عهد نهایی او به جهان است. هر مسلمانی با شور و شوق زیاد چنین دلیل قاطعی را به جهان ارائه می کند. پس اعراب چه کردند؟! آنها در واقع میلیون ها دلار بودجه هر سال نه برای ترویج معجزه قرآن، بلکه برای مبارزه با آن اختصاص دادند. نتیجه موفقیت مستمر کسانی است که معتقدند قرآن توسط محمد جلع شده است.

مشکل عرب ها چیست؟

وقتی خدا بارها بیان می کند که قرآن کامل، بی نقص و با جزئیات کامل است، خدا را باور نمیکنند (6:19، 38، 114). در نتیجه، قرآن را رها کرده و به کتاب های شیطانی به نام «حدیث» و «سنت» روی آوردند و به این ترتیب دچار لعنت خداوند شدند و از قرآن منزوی شدند - هرگز چیزی از قرآن نمی توانند بفهمند.

از سوی دیگر!

آفریدگار متعال به ما اعلام کرده است که «فقط خردمندان توجه خواهند کرد». (13:19). از آنجایی که اعراب، بدون استثنا، توجهی نکرده اند، این نشان دهنده درجه هوش آنها است. کاریکاتور نشان داده شده در بالا تقریباً در همه روزنامه های آمریکا چاپ شده است. اعلام می کند که اعراب به یک معلم خصوصی در "ریاضی پایه" نیاز دارند. بی شک، این مداخله الهی است تا به جهان بفهماند که اعراب در درک معجزه ریاضی او شکست خورده اند.

بهبانه غیر قابل قبول

برخی از اعراب اظهار داشته اند که معجزه ریاضی قرآن را به این دلیل که اثبات رسالت رشاد است [ریشه کلمه «رشد» ۱۹ بار در قرآن آمده است] رد می کنند. این حرفی مزخرف است، زیرا اولین اعلامیه من از معجزه به مدت 5 سال «معجزه همیشگی محمد» عنوان داشت.

اما اعراب هنوز نتوانستند معجزه را ببینند یا درک کنند - آنها هنوز حروف بسم الله را می شمارند. این بی اعتقادی واقعی آنها به خدا و معجزه قرآنی او را ثابت می کند. حکمت بیکران خدا حقیقت را به تدریج آشکار کرد.

اعراب از رحمت خدا برکنار شدند

این به هیچ وجه نظر شخصی من نیست. این ادعا و وعده خدا در سوره «محمد» (47:38) است. خداوند به اعراب هشدار داده است که اگر روی برگردانند، آنان را از فضل خود برکنار می کند و افراد بهتری را جایگزین آنان می گرداند. شکی نیست که اعراب قرآن را به نفع حدیث و سنت شیطان رها کرده اند.

(25:30) قرآن پیشگویی می کند که اعراب، به طور خاص، قرآن را ترک کرده اند.

یک امتحان ساده

برای اینکه مبدا فکر کنید این یک سرمقاله نژادپرستانه است، فقط سوالات زیر را از هر عرب بپرسید:

1. آیه اول قرآن چند حرف است؟ [بعد از 7 سال شمارش ادعا می کنند که بسم الله یا 18 یا 21 یا 22 حرف دارد نه 19 حرف! بنابراین آنها اعتراف می کنند که نمی دانند.]

2. آیا تعداد سوره های قرآن مضرب 19 است؟ نکته: $19 \times 6 = 114$

3. بر اساس «حدیث» و «سنت»، خدا روزی 50 نماز فرمان داد (سپس موسی به محمد کمک کرد تا با خدا معامله کند تا اینکه بالاخره آنها را به 5 کاهش داد). آنها ادعا می کنند که محمد 50 نماز در روز را تحویل گرفت. سوال این است: "آیا می دانید هرچند وقت یکبار باید 50 نماز را بخوانی؟ [هر 28 دقیقه یک بار، در 24 ساعت، بدون خواب و غذا و غیره!!]

4. بر اساس قوانین شرعی اعراب هرکس که انگشت زنی را قطع کند باید 10 شتر، 20 شتر برای دو انگشت، 30 شتر برای 3 انگشت و 20 شتر برای 4 انگشت به او بپردازد!! یعنی اگر یکی سه انگشتش را قطع کند برای جریمه ارزانتر باید یک انگشت دیگر را قطع کند؟

5. آیا می دانید ماه رمضان در سال 1410/1990 در چه روزی آغاز می شود؟
6. در احادیث اعراب آمده است: «پیامبر 9 زن داشت و میل جنسی 30 مرد!!!» سوال این است: او با 21 میل جنسی باقی مانده چه کرد؟
7. ابن حنبل به گفته اعراب 1.000.000 حدیث از جمله سلسله راویان را حفظ کرده است. این معادل چند کتاب است؟ چقدر طول کشید؟ آن احادیث چه شد؟
8. اعراب ادعا می کنند که ما باید به شدت از پیامبر (سنت) پیروی کنیم. آنها همچنین ادعا می کنند که پیامبر مردی بی سواد بوده است. آیا اعراب از بی سوادگی الگو می گیرند؟ آیا به این دلیل است که آنها از نظر ریاضی بی سواد هستند؟ آیا می دانند که ابولهب هم ریش داشته است؟

این آیات را بخوانید 7:146، 17:45، 18:57، 82-84: 27، 47:38

عامل انسانی

- مسیحیان، یهودیان، مسلمانان، هندوها، بودایی ها، سیک ها، بهائیان و غیره در یک چیز مشترکند: همه آنها خدا را می پرستند *
- بیشتر جنگ ها به نام دین و به دلیل عامل انسانی صورت گرفت *
- بت سازی «عامل انسانی» (عیسی، محمد، مریم، اولیای الهی، علما و غیره) نسل بشر را از هم جدا می کند *
- اگر عبادت خود را صرف خدا کنیم و عامل انسانی را فراموش کنیم، در یک خانواده انسانی متحد خواهیم شد *
- عیسی، مریم، بودا، محمد، و مقدسین واقعی از ما می خواستند که خدا را به تنهایی پرستش کنیم *
- خدا برای کسانی که به تنهایی او را می پرستند، زندگی آرام و شادی را تضمین می کند *

چرا رشاد رسالت خود را اعلام کرد؟

برخی از مردم، از جمله برخی از نزدیکترین و محبوب ترین دوستان من، پرسیده اند: "چرا رشاد آن را اعلام کرد؟
"چرا ما نمی توانیم تنها خدا را بپرستیم، بدون اینکه کسی را رسول خدا کنیم؟"

ایمان به خدا مستلزم باور داشتن به خداست. وقتی به خدا ایمان دارید و تنها او را می پرستید، باید هر چه خدا می گوید باور کنید. مثلاً خدا به ما گفته است که فرشتگان وجود دارند. پس باید خدا را باور کنیم؛ ما باید باور کنیم که فرشتگان وجود دارند. خدا به ما گفت که رسولانی می فرستد. او به ما گفت که موسی، عیسی، محمد و غیره فرستادگان او بودند. بنابراین، ما باید به خدا باور داشته باشیم و باید به رسولان او ایمان بیاوریم (2:285). خدا به ما گفت که شیطانی به نام شیطان وجود دارد و ما باید خدا را باور داشته باشیم.

خدا در 33:40 به ما گفت که محمد آخرین پیامبر (نبی) بود، اما آخرین فرستاده (رسول) نبود. بنابراین، ما باید خدا را باور داشته باشیم - باید بدانیم که محمد آخرین رسول نبود.

به طور خاص، خدا در 3:81 به ما گفت که بعد از اینکه همه انبیا همه کتب مقدس را تحویل دادند، رسولی فرستاده خواهد شد. این رسول، رسول میثاق خدا، وظیفه ادغام ماموریت همه انبیا در یک پیام و اتحاد همه مؤمنان در زیر پرچم پرستش خدای یگانه و حفظ یگانه کلام خدا و نه سخنان انسانها را خواهد داشت.

اگر واقعاً به خدا ایمان داشته باشیم، آنچه او می گوید را باور میکنیم به رسول خدا ایمان می آوریم. در واقع، خدا قاطعانه به ما می گوید که کسانی که باور ندارند که رسول خدا پس از محمد خواهد آمد، متعلق به مؤمنان نیستند و دیگر مسلمان نیستند (85-81: 3). در 15-49:14 می بینیم که مؤمنان واقعی کسانی هستند که "به خدا و رسول او ایمان دارند و هیچ گونه شکی ندارند".

این پیام رسان چه شکلی است؟ شرایط او چیست؟ آیا او یک ابرانسان با بال است؟ در قرآن به ما گفته شده است که رسولان خدا انسانهایی مانند من و شما هستند (5:75, 14:11, 18:110, 21:8, 25:7, 25:20, 41:6).

این رحمتی از جانب خدا است که لازم نیست حدس و گمان بزنیم. خدا نام رسول خود را «رشاد خلیفه» هجی کرده است. دلیل خدا کاملاً محسوس میباشد. همانطور که در ضمیمه 2 ترجمه جدید من توضیح داده شده است، شواهد زیادی وجود دارد که رشاد خلیفه رسول است.

حالا چرا اعلان؟

اعلام رسالت ایده من نبود. این فرمانی از جانب خدای متعال بود. به مدت هشت سال، دیدگاه من هم این بود که اعلام لازم نیست بود. قبلاً فکر می کردم: چه لزومی به اعلام است؟ چرا نتوانم بدون اعلام رسالت کلام خدا را تبلیغ کنم، تنها کلام خدا را حمایت کنم و عبادت تنها خدا را تبلیغ کنم؟ در آن روزگار جاهلیت، در برابر چنین اعلامیه ای مقاومت می کردم. سرانجام به من گفتند که من آنقدر ترسو هستم که نمی توانم وظایف رسول خدا را انجام دهم. من اخراج شدم. توبه، گریه، عذرخواهی و تعهد من یک شب کامل طول کشید. وقتی به این باور محکم رسیدم که حتی به قیمت از دست دادن فرزندانم و بهترین دوستانم باید این را اعلام کنم، دوباره استخدام شدم. شب بعد، در هنگام صرف سحری رمضان با دخترم صحبت کردم و سعی کردم تا آنجا که می توانم دیپلماتیک باشم. دخترم حرفم را قطع کرد: "بابا چه می خواهی بگویی؟ من همیشه می دانستم که تو رسول خدا هستی." من این پاسخ را از همه مؤمنان اطرافم دریافت کردم. آنها مدتها بود که مرا می شناختند و می دانستند که من دیوانه نیستم. آنها میدانستند که کسی که در مورد خدا دروغ می گوید یا به دروغ ادعای رسالت می کند، کسی است که به خدا یا آخرت ایمان ندارد. کسی که توقع ندارد روز قیامت در مقابل خدا پاسخگوی اعمال خود باشد.

این اعلام نقش مهمی در متمایز ساختن مؤمنان واقعی از کسانی که خدای دیگری در کنار خدا دارند ایفا کرد. از 45:23 می آموزیم که نفس خدای بسیاری از مردم است. این نفس است که مردم را از ایمان به خدا و توجه به تعالیم او باز می دارد. این نفس است که مردم را از پذیرش انسان دیگری به عنوان فرستاده خدا باز می دارد (8-9: 6, 11:27, 17:94, 23:34, 38:4, 54:24). این اعلامیه برای غربال کردن کسانی که نفس خود را به جای خدا می پرستند، ضروری بود. لازم بود کسانی را که با زبان خود می گویند مؤمن هستند در حالی که به دلیل خدا مبنی بر اینکه رشاد خلیفه رسول میثاق است شک دارند یا آن را رد می کنند، غربال کرد.

در نهایت باید در آیات 13-14 : 57 تأمل کرد: «مردان و زنان منافق در روز قیامت به مؤمنان می گویند: آیا ما با شما نبودیم؟ مؤمنان خواهند گفت: آری، اما شما خود را فریب دادید، شک کردید و با خوش خیالی گمراه شدید، تا آنکه حکم خدا فرا رسید. شما با تصورات باطل از خدا منحرف شدید.»

فرض کنید شما مریض شده اید و برای مشاوره نزد شخصی می روید و او به شما دارو می دهد. اگر چند بار این اتفاق بیفتد، به آن شخص به عنوان یک پزشک اعتماد خواهید کرد. اما شما همچنان به شک و نگرانی در مورد پزشک خود ادامه خواهید داد، تا اینکه او اعلام کند که یک پزشک واجد شرایط با گواهی رسمی است. به همین ترتیب، اعلام رسالت به مؤمنان این اطمینان را می دهد که قربانی یک شارلاتان نمی شوند. آنها مطمئن خواهند شد که از طریق رسول ثابت شده و اعلام شده خدا از هدایت الهی پیروی می کنند.

چگونه بر شک غلبه کنیم؟

3 سوال مهم را بپرسید:

1. آیا او به پرستش تنها خدا دعوت می کند؟
2. آیا از طرف خدا اثباتی دارد؟
3. آیا او از این کار درآمدی بدست می آورد؟

خلاصه مطلب

– نوشته ادیب یوکسل

ارتباط با سلمان رشدی

یکی از رویدادهای مهم سال 1989 ماجرای سلمان رشدی بود. رشدی و کتابش به مدت شش هفته در سرفصل همه روزنامه ها، اخبار تلویزیون و رادیو در سراسر جهان بودند. وقتی این خبر را در ترکیه شنیدم، اولین چیزی که به ذهنم رسید رشاد و ترجمه جدید او از قرآن و کشف خیره کننده دو آیه شیطانی 128-129: 9 بود. در یکی از مطالعات قرآنی خود در استانبول به مؤمنان گفتم که قطعاً در اینجا یک

برنامه الهی و یک ارتباط نمادین مشخص بین رشاد و رشدی وجود دارد. هر دو نام ریشه یکسانی دارند که 19 بار در قرآن آمده است. هم سلمان رشدی و هم رشاد خلیفه تعداد حروف یکسانی در نام خود دارند، هم در انگلیسی (هر کدام 13 حرف) و هم در عربی (هر کدام 9 حرف). عنوان کتاب رشدی (آیات شیطانی) موضوع اصلی تحقیق رشاد از سال 1985 بوده است.

من به گروه گفتم که شیطان می خواهد مردم را گنج کند و آنها را به اختلاط رشاد با رشدی سوق دهد (دقیقاً مانند ادعای اینکه معجزه 19 یک نقشه بهایی بوده است). رشاد قصد داشت پس از حذف آیات شیطانی، ترجمه جدید را با متن عربی پاکسازی شده منتشر کند.

دوستان توجه جدی به این موضوع نداشتند. با این حال، چهار روز بعد، نظریه من تأیید شد. 38 تن از علمای موسوم به مسلمان در عربستان سعودی به ریاست شیخ عبدالعزیز بن باز بدنام دیدار کردند تا درباره این فاجعه رشدی گفتگو کنند و نهایتاً هم رشدی و هم رشاد را محکوم کرده و خواستار کشتن آنها شد!!!

آن جلسه در 19 مارس برگزار شد و تعداد علما 19 ضرب در 2 بود. ملاقات آنها در سرتاسر جهان اسلام خبرساز شد.

تحوالات بعدی همه تردیدها را در مورد ارتباط بین ماجرای رشدی و ترجمه آینده رشاد در برنامه خدا از بین برد. چند روز بعد، سازمانی بین المللی به نام «ماده 19» کمپینی را در دفاع از سلمان رشدی راه اندازی کرد (ماده 19 منشور حقوق بشر سازمان ملل آزادی بیان را تضمین می کند). تمام جهان بسیاری از نویسندگان مشهور را دیدند که با در دست داشتن پوستر بزرگی که چیزی جز یک «19» بزرگ در آن نبود از رشدی دفاع کردند. وقتی این را دیدیم همه تردیدها از بین رفت. موضوع رشدی قطعاً نقشه ای الهی برای آماده شدن برای بزرگ ترین رویداد قرن حاضر است: نشر قرآن پاکسازی شده و نسخه مجاز انگلیسی آن.

همانطور که مشخص است، تولد رشدی 19 مارس، و تولد رشاد در 19 نوامبر است. کتاب رشدی به قیمت 19.95 دلار ($19 \times 5 = 95$) و ترجمه جدید رشاد به قیمت 57.00 دلار (19×3) به فروش می رسد.

راند ایران در برابر رشدی به پایان رسید و اکنون منتظر بازی اعراب مقابل رشاد هستیم. نتیجه رویارویی رشاد و اعراب قبلاً در قرآن پیشگویی شده است (نگاه کنید به 171-173: 37، 40:51، 58:21، 15-16: 86، 1-3: 110)

قریش و محمدیان امروزی

من اعتقاد داشتم که قریش مجسمه می پرستند. اما مطالعه دقیق قرآن نشان می دهد که این یک ترفند شیطانی است که محمدیان برای توجیه بت پرستی خود ساخته اند. بنابراین، آنها می توانند بگویند: "ما مجسمه نمی پرستیم. ما بت پرست نیستیم." همانطور که در قرآن 57:14 آمده است، آنها با خیال بافی فریب می خورند. هیچ کجا در قرآن نمی بینیم که قریش مجسمه ها (اسنام در عربی) را می پرستیدند. برعکس، قرآن به بت پرستان قریش می گوید که آنها به سادگی «بتهای لات، عزا و منات را جعل کردند» (53:23). آن بت پرستان آن نام ها را جعل کرده و آنها را دختران خدا (سبحان الله) می شمردند. آنها به شفاعت لات، عزا و منات اعتقاد داشتند، همان طور که امروزی ها به شفاعت محمد اعتقاد دارند.

تلاش محمدیان برای بازتعریف بت پرستی به منظور توجیه بت پرستی خود نتیجه معکوس داشته است. معتبرترین حدیث آنها این خطبه ادعایی پایانی پیامبر (خطبه الوداع) است. این واقعه بزرگ و تاریخی در بسیاری از کتب مهم حدیث از جمله مسلم، موطأ، ابن ماجه، ابوداود، احمد بن حنبل آمده است. مشکل بزرگ این است که: این کتاب ها سه آموزه بسیار متفاوت از این خطبه تاریخی را گزارش می دهند که 100000 شاهد آن بوده اند (بیشتر احادیث ظاهراً 2 یا 3 نفر شاهد بوده اند). در واقع، موضوع اصلی در آن خطبه بسیار مهم، سه فرمان متضاد را بیان می کند. در اینجا گفته می شود که پیامبر فرمود:

[1] من دو چیز را برای شما می گذارم که باید به شدت از آنها دفاع کنید: قرآن و سنت من. (به روایت موطأ 46/3)

[2] من دو چیز را برای شما می گذارم که باید به شدت از آنها دفاع کنید: قرآن و خانواده ام (به روایت مسلم 44/4، 2408، ابن حنبل 4/366).

[3] من قرآن را برای شما می گذارم - فقط قرآن را. شما باید آن را به شدت حفظ کنید. (به روایت مسلم 19/15، 1218، ابن ماجه 3074/25/84)

کدام یک از این 3 مورد صحیح است؟! آیا می توان به معتبرترین حدیث آنها اعتماد کرد؟ به کدام حدیث به غیر از خدا و آیاتش ایمان دارند (45:6)؟